

یا حرف جدید بزن یا برو پی کارت!

چم و خم!

داشتم فکر می کردم محمود سلامیان را چطور معرفی کنم که بشناسید. از تهیه کننده بودنش حرف بزنم یا کارگردانی؟ یاد ممل افتاده احتمالاً برای بر و بجهه های مجله «رشد جوان» برنامه «عصر بخیر بچه ها» و «بچه های ایران» اسم های آشنایی هستند. محمود سلامیان، تهیه کننده و کارگردان این دو برنامه تلویزیونی، از آن دسته هنرمندانی است که از یک دوره ای به بعد تصمیم گرفت، فقط برای نوجوان ها برنامه سازد. آنچه در ادامه می خوانید، چم و خمهای کارگردانی از زبان مدیر تولید شبکه کودک و نوجوان است.



نیم
پیل:

به جای غر زدن تلاشتان را بیشتر کنید.
مجبورید.

انگار مدرسه‌ام مدرسه هری پاتر بود!

هنرستان ما همه‌چیز داشت. از ۸ صبح تا ۶-۷ بعدازظهر داخل هنرستان می‌ماندیم و عشق می‌کردیم.

کتابخانه، فیلم‌خانه، معلم‌های حرفه‌ای، جلسات نقد فیلم، بليت‌های نصف قیمت برای جشنواره‌های مختلف، امکانات ساخت فیلم ... تمام ۱۷-۱۸ سالگی‌ام خوره فیلم بودم، به نظرم همه هنرستان‌های فیلم‌سازی باید چنین حالتی داشته باشند.

اگر از لحظه مدیریتی هم چنین فضایی حاکم نیست، باید یه مشت بچه خوره عشق فیلم و سیریش برای فیلم ساختن عرق بریزند. بدون عرق ریختن، حتی اگر کارهای اول یک کارگردان هم بگیرد، می‌شود مثل خوانندهای که تک‌آهنگش منتشر شده، روی زبان مردم افتاده، اما دو ماه بعد، جوری اثری از آهنگش نیست که انگار خودش هم هیچ وقت وجود نداشته است!

را برایم روشن کرد خیلی در انتخابم تأثیر داشت. اینکه چراغ انداخت روی تمام نقاط مثبت و منفی هنر و اینکه من در تمام زندگی‌ام آینده فیلم‌ساز شدن را به چشم دیده بودم، همه این‌ها باعث شدند، ابهام‌هایی که داشتم رفع شوند.

تحمل باید...

هر بار در جمعی از ارشی بودن هنر حرف زدم، لااقل یک نفر پیدا شد که حرفم را بربط بدهد به پارتی. مرا پدرم به بقیه کارگردان‌ها معروف نکرد. می‌توانستم حرفی از اینکه همه در خانواده‌مان یک ربطی به سینما و هنر دارند نزنم، اما وقتی می‌زنم دلیل دارم. ارشی بودن هنر یک واقعیت است، ولی چیزی به اسم زن هنرمندی وجود ندارد! تو خودت اگر فیلم‌ساز، نوازنده یا نقاش بشوی، پسرت تبدیل شده به کسی که از بچگی هنر را دیده و اتفاقاً اکتسابی تجربه‌هایی را به دست آورده است که تو نداشتی. با این اوصاف طی کردن مسیر پیشرفت برای پسرت راحت‌تر می‌شود. حرف من این است اگر واقعاً دوست دارید هنرمند باشید، اما بستر مناسب ندارید،

به تنها چیزی که فکر نمی‌کردم هنر بود!

دبستانی که بودم، معلممان پرسید: شغل پدرت؟ گفتم: فیلم‌ساز. باور می‌کنید هیچ تصویری از فیلم‌سازی نداشتم؟ فیلم‌سازی به نظرم هیچ فرقی با نانوایی، پیشکی، رانندگی و مهندسی نداشت. المپیادی بودم، همان زمان که در هنرستان روایت فتح قبیل شدم، نمره دبیرستان نخبگان را هم آوردم و شاید اگر به خاطر بابا نبود، اصلاً وارد هنرستان روایت فتح نمی‌شد؛ به خصوص که مادرم هم مخالف بود!

هنر ارشی است

تفاوت کسی که انتخاب کرده هنرمند باشد، با کسی که شغل‌های دیگر را انتخاب می‌کند، در مزبین محیط کار و زندگی‌شان است. هنرمند خواهان خواه شغلش را تا سر شام و ناهار و میز صبحانه می‌آورد. من نمی‌خواستم کارگردان باشم، اما در تمام طول بچگی، نوشتن بابا را دیده بودم؛ رفتارش را با عوامل فیلم، دوستانی که به منزلمان رفت‌آمد داشتند و... جدای از همه این‌ها، وسط دو راهی هنرستان و نخبگان هم اینکه بابا مسیر



امیرعباس خلبان، مجری برنامه بچه‌های ایران
شبکه جام جم امیرعباس: کوروش مقصومی

توی رو در بایستی مانده‌اید، طرف را
بیچانید. اما کار معمولی تولید نکنید.
کار ضعیف مثل وب و اگیر دارد. مواظب
اینده‌تان باشید.

با خودت رور است باش

پوست کفت هستید؟ نمی‌شود رفت سر
یک کلاس و گفت: سلام لطفاً به من
کارگردانی یاد بددید. باید عشق به خلق اثر
داشته باشید. قواعد کارگردانی چند اصل
ساده است که همین الان هم می‌توانم
در این صفحه کل فواعدش را خلاصه
کنم. اما کارگردانی فقط قاعده و قانون
نیست. باید تعدادی رفیق پیدا کنید که
آنها بدون زور شنیدن از کارگردان هم
دغدغه‌شان این باشد که یک اثر خوب
خلق کنند. قسمت سخت کارگردانی
متعهد کردن عوامل است. باید انعطاف
داشت، با آدمهای مختلف همراه شد و
با نبود امکانات کنار آمد. خلاقیت داشت
و از همان محدودیت‌های محیط استفاده
مفید کرد. سخت است اما باید شرایط
سخت را تحمل پذیر کرد. دائم دعوا راه
نینداخت، قهر نکرد و این طور چیزها!
تکلیف‌تان را با خودتان روش کنید. تمام
حرفهایی که زدم از وظایف کارگردان
است. تا این حد پوست کفت هستید؟

دست تلویزیون برای ما رو شده!

خود من با ۳-۴ شبکه تلویزیون کار
کرده‌ام و هنوز از تلویزیون نان می‌خورم.
اما اگر نیروی جدید قرار است وارد صدا
و سیما شود، باید ایده نو داشته باشد.
شخصیت‌پردازی‌های باحال، داستان‌های
باحال، طراحی عروسک باحال. نیروی
جدید باید بتواند هر لحظه یک چیز نو
از آستینش بیرون بیاورد، و گرنه اگر
جدیدترها بخواهند تهشیکی مثل ما
 بشوند، با ادامه دادن یک روال تکراری
فاتحه سینما و تلویزیون خوانده است.
اگر برای انجام دادن کاری آرزو و
فانتزی نداریم، ولش کنید. حتی اگر

اگر هنوز صدابرداری، تصویربرداری،
دکوپاژ ... را بلد نیستی، چرا آمدی سراغ
کارگردانی؟ کارهای خوب ۵۰ درصدش
به خاطر عوامل است، ۵۰ درصد به خاطر
کارگردان. اما در کار بد ۱۰۰ درصد فقط
کارگردان مقصود است؛ ۱۰۰ درصد!
طراحی شخصیت، طراحی موقعیت، طراحی
پیام و طراحی اجرا، کارگردان باید طراح
خوبی باشد. تا زمانی که به همه چیز سلط
ندارید، به خاطر عشق رئیس‌بازی و افة
کارگردانی سراغ این کار نیایید. کارگردان
صاحب کار است، صاحب کار مسئولیت
بیشتری دارد. مقصود کارهای بد نباشد و
اگر هنور اطلاعات کافی کسب نکردید،
روزمنه‌تان را جلوی ملت خراب نکنید.

